

جایگاه اشکانیان ارمنستان در روابط بین ایران و روم (قرن دوم میلادی)

محمد ملکی^۱

چکیده

حکومت اشکانیان ارمنستان پس از توافق شاهنشاهی اشکانی و امپراتوری روم به سال ۶۳ میلادی، در سرزمین ارمنستان شکل گرفت. هدف از این توافق که پس از رقابت‌های طولانی ایران و روم بر سر سلطه و نفوذ در ارمنستان با رضایت هر دو طرف درگیر حاصل شد، خاتمه‌دادن به جنگ و درگیری بود. اما حاصل این توافق یعنی حکومت اشکانیان ارمنستان، مسئله اصلی رقابت‌های ایران و روم در قرن دوم میلادی شد. تلاش امپراتوری روم برای نادیده‌گرفتن پیمان راندا و محدود کردن نفوذ شاهنشاهی اشکانی در ارمنستان، با نپذیرفتن شاهزادگان اشکانی حاکم بر ارمنستان و اصرار شاهنشاهی اشکانی برای به تخت‌نشاندن شاهزاده‌ای از خاندان خود بر ارمنستان، به جنگ و درگیری بین دو قدرت شرق و غرب در سراسر قرن دوم میلادی منجر شد. پژوهش حاضر، ناظر بر این است که تهاجم امپراتوران روم به قلمرو شاهنشاهی اشکانی در سراسر قرن دوم میلادی، به دنبال پذیرش و یا عدم پذیرش شاهزاده‌ای از خاندان اشکانی در ارمنستان از جانب ایران و روم صورت گرفت و اشکانیان ارمنستان در جنگ‌های بین دو کشور، ابتدا به‌عنوان متحد شاهنشاهی اشکانی و دوشادوش او بر ضد امپراتوری روم می‌جنگیدند، اما با آشکارشدن ضعف شاهنشاهی اشکانی در اواخر قرن دوم و در جریان جنگ سوم ایران با امپراتوری روم در این قرن، به عنوان متحد روم در جهت استقلال خود از شاهنشاهی اشکانی اقدام کردند.

واژگان کلیدی:

ایران، روم، اشکانیان ارمنستان، روابط سیاسی.

ارمنستان به دلیل جایگاه جغرافیایی و پایگاه راهبردی خود در تاریخ، همواره همچون گذرگاهی برای سیطره بر قفقاز و آناتولی از یک سو و میان‌رودان و ماورای فرات از سوی دیگر عمل می‌کرد. با پیشروی شاهنشاهی اشکانی به سمت سرزمین‌های غربی شاهنشاهی هخامنشی و گسترش امپراتوری روم در جهت مشرق‌زمین، سرزمین ارمنستان برای هر دو قدرت اهمیت دوچندان یافت. به همین دلیل وقتی امپراتوری روم بارها از جانب‌داری خاندان محلی ارمنستان از اشکانیان در برخوردهای کراسوس (۵۳ ق. م.) و آنتوان (۳۶ ق. م.) با شاهنشاهی اشکانی سرخورده شد، با بهره‌گیری از ضعف اشکانیان در سال‌های آغازین قرن یکم میلادی دودمان محلی آرتاکسی در ارمنستان را برانداخت. اما این عمل روم با واکنش سریع اشکانیان در دوران اردوان دوم (۳۸ - ۱۱ م.) که به دنبال احیای اقتدار پیشین شاهنشاهی هخامنشی بود، مواجه شد و اشکانیان در این دوران هر زمان که مناسب می‌دیدند، با پشتوانه ناخارارهای ارمنی برای براندازی نفوذ روم در این منطقه می‌کوشیدند. اردوان که از اهمیت ارمنستان به خوبی آگاه بود، در رقابت با روم توانست چند بار شاهان دست‌نشانده روم را از ارمنستان متواری کند و به جای آنها فرزندان خود را بر تخت ارمنستان بنشاند. اما امپراتوری روم نیز ساکت نمی‌نشست و با تحریک اقوام مهاجم به ایران و پشتیبانی از شاهزادگان اشکانی ساکن در روم، موجبات گرفتاری اردوان را فراهم می‌کرد تا از پرداختن به امور ارمنستان عاجز شود.

تلاش‌های اردوان دوم سرانجام در دوران بلاش یکم (۷۷/۷۹-۵۱ م.) منجر به شکل‌گیری اشکانیان ارمنستان با موافقت امپراتوری روم شد. اما از آنجایی که امپراتوری روم با دیپلماسی و زور اسلحه اشکانیان به ناچار به این توافق تن داده بود، از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا از زیر بار این توافق شانه خالی کند و بتواند بار دیگر سلطه و نفوذ خود را در ارمنستان بازگرداند. به همین دلیل، امپراتوری روم پس از شکل‌گیری سلسله اشکانیان ارمنستان برای رهایی از توافق، به صورت غیر مستقیم از طریق برانگیختن اقوام کوچ‌نشین برای حمله به قلمرو ارمنستان و ایالات شمال غربی ایران و سپس به صورت مستقیم با به راه‌انداختن جنگ و درگیری و کشاندن جنگ به ارمنستان و میان‌رودان، سراسر قرن دوم

میلادی را در جنگ با اشکانیان برای سلطه و نفوذ در ارمنستان سپری کرد تا شاید از این طریق شاهنشاهی اشکانی را به زانو در بیاورد. اما اشکانیان با پایداری در مقابل روم و اصرار بر به کارگیری شاهزاده‌ای از خاندان اشکانی بر ارمنستان در جهت خنثی‌سازی نقشه‌های روم عمل کردند. پرداختن به جایگاه اشکانیان ارمنستان در روابط سیاسی بین ایران و روم و عملکرد آنها در این قرن پرتنش ضرورتی است که این جستار به آن پرداخته است.

اشکانیان ارمنستان و آغاز مناقشات ایران و روم در نیمه نخست قرن دوم میلادی

سلطنت طولانی و صلح‌آمیز تیرداد یکم (۸۸-۶۳ م.) و سنتروک (۱۱۰-۸۸ م.)، نخستین و دومین شاهان اشکانی در ارمنستان، نشانگر چرخش مذهبی و فرهنگی ارمنستان به سمت اشکانیان است. زیرا در ارمنستان همچون ایران که تا سال ۸۰ میلادی، بلاش یکم پادشاهی می‌کرد، اصول شرقی در بسیاری از حوزه‌های حکومتی و زندگی عمومی قوی‌تر نمایان شد^۱ و بسیاری از این اصول در جهت حفظ سنن اشکانی در ارمنستان تداوم یافت.^۲ احتمالاً همین رویکرد جانبدارانه اشکانیان ارمنستان نسبت به ایران، نخستین رویارویی ایران و روم را در سال‌های آغازین قرن دوم میلادی، در دوره زمامداری ترایان^۳ (۱۱۷-۹۸ م.) رقم زد و امپراتور روم در حدود سال ۱۱۴ میلادی، در ظاهر به بهانه عدم تعیین فرمانروای ارمنستان از جانب روم (Arrian, 1968: frs. 37 & 40; Dio Cassius, 1955: LXVII. 17.1)، اما در واقع به دلیل گسترش مطامع ارضی، به ارمنستان برای سلطه بر مشرق‌زمین حمله کرد (Longden, 1931: 25-29). البته اتمام جنگ در مرزهای غربی امپراتوری و اختلافات درونی اشکانیان پس از مرگ بلاش یکم در تصمیم امپراتور روم برای حمله به مشرق‌زمین مؤثر بود، زیرا پس از قدرت‌نمایی اشکانیان در رقابت با روم بر سر ارمنستان، روم ناچار به پذیرش و تأیید حکمرانی شاهزادگان اشکانی در ارمنستان شد و نفوذ روزافزون

^۱. تاکیتوس در کتاب خود سیاست شرقی اشکانیان را مورد بررسی قرار داده و در این رابطه نوشته است که این سیاست در دوران اردوان دوم که در صدد بازگرداندن سرزمین‌های سابق هخامنشیان بود، تشدید یافت (Tacitus, 1959: 6, 31).
برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: (Olbrycht, 2010: 721-722).

^۲. Burney&Lang, 1971: 202;

برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به:

Wolski, 1966: 66-89; Wolski: 1988: 30, 161-166; Shayegan, 2011: 330-333

^۳. Traianus(98-117)

اشکانیان در ارمنستان پس از گذشت نیم قرن، امپراتوری روم را که به خوبی از اختلافات درونی اشکانیان باخبر و به توانایی خود برای حمله به قلمرو اشکانیان مطمئن بود، به واکنش واداشت.

پیش از حمله ترایان، خسرو شاهنشاه وقت اشکانی، سفارتی نزد امپراتور فرستاد تا شاید مانع از حمله او به مشرق زمین گردد (Dio Cassus, 1955: LXVIII, 17). دیو کاسیوس به پیشنهاد خسرو به ترایانوس، مبنی بر خلع پسرش آکسیدارس^۱ (۱۱۳-۱۱۰ م.) از تخت ارمنستان و پیشنهاد نصب پسر دیگرش پارثاماسیریس^۲ (۱۱۴-۱۱۳ م.) بر مسند فرمانروایی ارمنستان توسط امپراتور برای رفع مسئله ارمنستان، همچون دوران نرون و بلاش یکم، اشاره می کند (Dio Cassus, 1955: LXVIII, 17) و در ادامه هدف ترایانوس را نه تنها حل مسئله ارمنستان نمی داند، بلکه مقاصد دیگری را که منشاء آن جاه طلبی های شخص امپراتور از جمله شهرت و کشورگشایی است (Dio Cassus, 1955: LXVIII, 17)، در علل حمله ترایانوس به ارمنستان ذکر می کند. با در نظر گرفتن موقعیت استراتژیک ارمنستان برای توسعه فتوحات امپراتوری روم به سمت مشرق زمین و مانع تراشی شاهنشاهی اشکانی با تحمیل پیمان رانديا (۶۶ م.) به امپراتوری روم و سلطه شاهزادگان اشکانی بر ارمنستان در جهت حفظ منافع اشکانیان در دوران تیرداد یکم، سنتروک و آکسیدارس، که گویا این دو شاه آخری بدون تفویض و تأیید از سوی رومی ها بر تخت شاهی ارمنستان تکیه زده بودند و با توجه به اوضاع پریشانی که شاهنشاهی اشکانی پس از مرگ بلاش یکم به آن مبتلا شده بود، تردیدی باقی نخواهد ماند که امپراتور ترایانوس نه تنها خواهان سلطه دوباره بر ارمنستان بود، بلکه هدف او با توجه به الحاق نمودن ارمنستان به امپراتوری روم، استفاده کردن از موقعیت استراتژیک این سرزمین برای تسهیل فتوحات خود و تسخیر سراسر مشرق زمین بود.

استقبال ترایان از شاه نشین های دست نشانده اشکانی در مرزهای شاهنشاهی که با تغییر موضع خود به اطاعت از امپراتوری روم تن داده بودند (Debevoise, 1938:219-221; Longden, 1936: 241-242) موجب شد تا شاه ارمنستان، پارثاماسیریس، به سمت مصالحه با امپراتور که در این زمان با قدرت در حال پیشروی در ارمنستان بود، متمایل و به سخنان

^۱. Axidares(Ashkhadar)

^۲. Parthamasiris

فرستادگان ترایان، مبنی بر بستن قرارداد با روم اعتماد کند (Dio Cassus, 1955: 18-19). اما بر خلاف انتظار، وقتی شاه اشکانی ارمنستان برای مذاکره، تنها با اندکی از محافظان شخصی خود، به بارگاه ترایان در ایلیگیا^۱ رهسپار شد، امپراتور نه تنها به وعده خود وفا نکرد (Dio Cassus, 1955: LXVIII, 19-20)، بلکه از ترس اینکه مبادا شاهزاده اشکانی در آینده برای رومی‌ها خطر ساز شود، دستور داد پس از دور شدن از لشکرگاه، وی را به قتل رسانند (Arian, 1968: Fr. 38-39; Dio Cassius, 1955: LXVIII, 20; Gutschmid, 1888: 105; Debevoise, 1938: 224). رومی‌ها پس از کشتن پادشاه دست‌نشانده اشکانی با ارمنستان، با نیرنگ و فریب، ارمنستان را بدون دردسر صاحب شدند و خسرو شاهنشاه اشکانی در این زمان هیچ حرکتی مبنی بر انتقام پارثاماسیریس و بازپس‌گیری ارمنستان انجام نداد (Dio Cassius, 1955: LXVIII, 26). این کار او احتمالاً به دلیل شرایط متزلزل داخلی شاهنشاهی و مدعیانی بود که عرصه را بر خسرو برای یک واکنش منطقی در برابر زیاده‌خواهی روم تنگ کرده بود. در عوض، سلطه بی‌چون و چرای روم بر ارمنستان نقطه آغازی برای بلند پروازی‌های ترایان شد و در نتیجه این پیشروی‌ها میان‌رودان همچون ارمنستان یکی از ایالات روم شد (Dio Cassus, 1955: LXVIII, 22, 23). زیرا تسلط هر یک از قدرت‌های شرق و غرب بر منطقه استراتژیک ارمنستان معادلات قدرت را به نفع طرف پیروز رقم می‌زد و اکنون رومی‌ها با سلطه بر ارمنستان و تبدیل آن به یک ایالت رومی، میان‌رودان را پس از تصرف دولت‌های دست‌نشانده صفحات غربی شاهنشاهی، در مدت کمی پیش از زمستان به زیر سلطه خود در آوردند.

با آگاهی از وضعیت نامطلوب حاکم بر شاهنشاهی اشکانی (Bivar, 1983: 88; Debevoise, 1938: 228) به سهولت می‌توان فهمید که چرا در برابر قوای روم مقاومت چندانی از طرف اشکانیان صورت نگرفته است (Debevoise, 1938: 229).^۲ اما گستردگی برنامه‌ریزی اشکانیان که در ضد حمله خسرو مشاهده می‌شود، عنصر مهمی در تأیید این فرضیه است که واگذاری بدون نبرد سرزمین‌های وسیعی در آسیای غربی به رومیان جزئی از نقشه‌ای بوده تا ترایانوس را به عمق کشور پارت بکشانند و همان‌گونه که قبلاً با آنتیوخوس

^۱. Elegeia/Aegea

^۲. Debevoise, 1938: 229

هفتم (۱۳۸-۱۲۹ ق.م.) در قرن دوم قبل از میلاد رفتار کرده بودند، رومیان را قاطعانه فراری دهند. دلیل دیگر اینکه همه عملیات اشکانیان طبق نقشه‌ای از پیش طرح‌ریزی شده انجام گرفت و آنها از سه سو به سرزمین های اشغال شده توسط رومیان حمله بردند. حمله اصلی را اشکانیان از ماد به سمت ارمنستان و آدیابن و حمله دیگر را از طریق فرات، با هدف قطع ارتباط رومیان با سوریه و بالاخره حمله از مرکز به سمت سلوکیه انجام دادند. تریانوس بی‌درنگ واکنش نشان داد، اما در این فاصله، رومیان شکست های متعددی را متحمل شدند و غنایم خود را از دست دادند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). نفاق فرساینده میان اشکانیان بار دیگر به کمک روم آمد و سنتروک، برادرزاده خسرو که زمانی پادشاه ارمنستان بود و بر رومیان تلفات زیادی وارد کرده بود (Arian, 1968: Fr77; Dio Cassius, 1955: LXVIII.) (29-30; Bivar, 1983: 91)، با پارثاماسپات^۱، فرزند خسرو، از جانب شاهنشاه مأمور شدند تا در شمال میان‌رودان با دو سپاه بزرگ تحت فرمان خود همزمان بر ضد رومیان وارد عمل شوند. اما تریان از اختلاف بین دو شاهزاده استفاده کرد و پارثاماسپاترا شبانه به صورت مخفی پذیرفت و وی را با وعده پادشاهی ایران فریب داد. در نتیجه تریان توانست نیروهای ایرانی را شکست دهد و سنتروک را دستگیر و به قتل برساند. آنگاه تریان برای اینکه از این پیروزی باد آورده بیشتر بهره‌برداری کند، به همراهی طرفداران روم در تیسفون، پارثاماسپات (پسر خسرو) را شاه اعلام کرد و دستور داد که به میمنت این کار بزرگ، سکه‌هایی ضرب کنند که بر روی آنها عنوان پادشاهی اعطایی به پارت حک شود (Dio Cassus, 1955: LXVIII,30; Debevoise, 1938: 237). بنابراین، نفاق درونی اشکانیان که تریان پیش از حمله به قلمرو اشکانی حساب ویژه‌ای بر روی آن باز کرده بود، نزدیک بود اسباب سقوط تیسفون را فراهم و زمینه را برای موفقیت روم هموار کند.

اما پس از مرگ سنتروک، فرزندش بلاش در ارمنستان علیه رومی‌ها به جنگ برخاست و کارتلئوس سوروس سردار رومی که از جانب تریان حاکم ارمنستان بود، در وضعی بحرانی قرار گرفت و درخواست متارکه جنگ کرد. در نتیجه تریان مأمورینی نزد بلاش فرستاد و یک قسمت از ارمنستان را در ازای برقراری صلح به او واگذار کرد تا هم وضعیت وخیم سوروس و هم خطر محاصره‌ای که تریان را تهدید می‌کرد، از بین برود و از خطر

^۱. Parthamaspates

مسدودشدن خطوط انتقال نیرو، کمک و پشتیبانی از او در میان‌رودان ممانعت به عمل آید (Chaumont, 1986: 427; Longden, 1931: 17; Boissevain, 1890: 329). ترایان که در بهار سال ۱۱۷ میلادی از راه شمال از مسیر دجله قصد بازگشت به سوریه داشت، در هنگام عبور از شهر هاترا^۱ با مقاومت سخت اشکانیان مواجه شد، تا جایی که این امر به عقب‌نشینی تمام نیروهایش از سرزمین‌های مفتوحه منجر گردید. پس از آن ترایان قصد داشت دوباره به میان‌رودان لشکرکشی کند، اما بیماری او پس از شکستی که در هاترا متحمل شد، مزاج او را به کلی دگرگون کرد و ناچار شد از خیال لشکرکشی منصرف و تصمیم به بازگشت به ایتالیا گرفت. اما اجل او را مهلت نداد و در سال ۱۱۷ میلادی در کیلیکیه جان سپرد. اشکانیان نیز طی این مدت، پارثاماسپات را از سلطنت خلع کردند^۲ و دوباره خسرو زمام شاهنشاهی را به دست گرفت (Dio Cassus, 1955: LXVIII, 31-33). احتمالاً از دست رفتن سلطه رومی‌ها در بخش‌هایی از ارمنستان و نفوذ دوباره اشکانیان بر این سرزمین، در شکست ترایان و پیروزی رومیان بی‌تأثیر نبود. زیرا سلطه بر ارمنستان به معنای حفظ سرزمین‌های میان‌رودان و فرصت تهدید سوریه از جانب اشکانیان بود و احتمالاً ترایان پس از ناکامی در بخش‌هایی از ارمنستان و شکست در هاترا دیگر ادامه جنگ برای روم را مفید نمی‌دانست و در این مدت از پیوند نزدیک شاهک‌نشین‌های بین قلمرو ایران و روم و به‌ویژه ارمنستان به خاندان اشکانی چنان سرخورده شد که تصمیم گرفت به رم بازگردد.

با وجود موفقیت‌های بزرگ نظامی ترایان، فرجام جنگ او با اشکانیان با شکست قطعی وی پایان پذیرفت (Lepper, 1948: 211-213; Eadie 1985: 407-423; Lightfoot, 1990: 37-43; Wylie 1990: 115-126). چرا که مدت زمان زیادی از موفقیت‌های نظامی وی گذشته بود که در سرزمین‌های مفتوحه، شورش‌هایی علیه وی صورت گرفت تا جایی که مناطق ارمنستان، میان‌رودان از دست رومی‌ها خارج شد (Birley, 1956: 25-33; Birley, 1998: 66-76; Magie 1950: 607-11). جانشین ترایان، هادریان^۳ (۱۱۷-۱۳۸ م.) نیز چاره را در حفظ امپراتوری در درون مرزهای خود و ترمیم رابطه با شاهنشاهی اشکانی و بازگشت به مرزهای پیش از جنگ دید (Birley, 1956: 25-33; Birley, 1998: 66-76; Magie 1950: 607-11).

^۱. Hatra

^۲. پارثاماسپات به روم گریخت (Dio Cassus, 1955: LXVIII. 31).

^۳. Hadrian

اشکانیان از تمامیت ارضی شاهنشاهی خود، با وجود منازعات حاکم بر این دوره از شاهنشاهی دست برد نداشته و با یک استراتژی مناسب پس از کشاندن نیروهای رومی به داخل میان‌رودان و عقب‌نشینی موقت خود به داخل سرزمین‌های اصلی ایران، نیروهای او را قتل عام و مجبور به فرار کردند و ارمنستان را دوباره به وضعیت پیشین خود، این بار تحت پادشاهی بلاش، در آوردند.

با جلوس هادریانوس (۱۳۸-۱۱۷ م.) تغییرات بنیادینی در سیاست خارجی رومی‌ها با اشکانیان به وجود آمد. بی‌گمان هادریانوس به گستردگی همراهی ارمنستان با اشکانیان هنگام لشکرکشی تریان و حتی بیهودگی لشکرکشی او پی برد و یگانه راه مناسب بازگشت به سیاست حفظ تعادل را برگزید. عامل دیگری که دو قدرت بزرگ عصر باستان را وادار به میانه‌روی کرد، امور اقتصادی بود. یعنی احیای تجارت پر سود میان شرق و غرب که می‌توانست برای هر دو طرف بسیار سودمند باشد. در این بین خسرو که خود را در این مبارزه پیروز می‌دانست، از ثمرات این کامیابی برخوردار شد و رودخانه فرات بار دیگر به عنوان مرز میان دو کشور انتخاب و ارمنستان نیز به قلمرو اشکانیان ضمیمه شد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۲۰۴).

پس از کشمکش و نزاع بین خسرو و بلاش سوم بر سر حکمرانی و مملکتداری، بلاش سوم (۱۲۹-۱۴۷ م.) توانست بر حریف پیروز شود و عرصه را برای خود مهیا کند (McDowell, 1935: 195). روابط اشکانیان و روم در سال‌های آغازین سلطنت بلاش بدون تنش بود و از آن جا که مورخان رومی نسبت به امور داخلی اشکانیان بی‌علاقه بوده‌اند، آثارشان فاقد اطلاعاتی درباره این دوره است.^۱ تسلط هم‌زمان بلاش بر ایران و ارمنستان در سال‌های نخستین حکومتش و عدم تنش در روابط ایران و روم احتمالاً در عدم آگاهی ما از اخبار این دوره، از جانب مورخان رومی، بی‌تاثیر نیست. زیرا مورخان رومی وقتی به حوادث تاریخ اشکانیان اشاره می‌کردند که تنش و برخوردی در روابط دو کشور پدید می‌آمد.

بلاش، مرکز فرمانروایی خود را در شمال غربی ایران قرار داد و از آنجا با قبائل آلان در حدود سال ۱۳۶ میلادی مشغول نبرد و زد و خورد شد (Gutschmid, 1888: 146;

^۱. واقعه مهم دوره بلاش سوم این است که مهرداد چهارم در این زمان مدعی سلطنت شده بود، اما نتوانست در مقابل بلاش موفقیتی کسب کند (Chaumont, 1988: 574-580).

آلان‌ها همچون دفعه پیش، باز به تحریک گرجی‌ها، از دربند داریال گذشته به آذربایجان و ارمنستان تجاوز کردند. به دنبال این واقعه بلاش سفیری به روم فرستاد تا درباره عملکرد گرجی‌ها به روم شکایت کند (Dio Cassius, 1955: LXIX.15)، اما دولت روم با وجود آنکه پادشاه گرجستان را به روم احضار کرد تا در محکمه امپراتور جواب پس دهد، پس از حاضرشدن او نه فقط وی را سرزنش نکرد، بلکه مساعدتهایی به وی نمود و بر خاک ایبری نیز سرزمین‌هایی را افزود (Dio Cassius, 1955: XXXIX.15). البته این رفتار امپراتوری روم در مقابل شاهنشاهی اشکانی تازگی نداشت؛ چرا که پیش از این نیز روم به اغوا و تأیید عملکرد گرجیان در تحریک آلان‌ها به تهاجم به قلمرو شاهنشاهی اشکانی در دوره تیرداد یکم پرداخته بود و به احتمال زیاد این اقدامات به دلیل موفقیت بلاش در اداره هم‌زمان ایران و ارمنستان بود. زیرا در دوره این پادشاه اشکانی، که هم‌زمان بر ایران و ارمنستان فرمانروایی می‌کرد، سرزمین ارمنستان از صلح و ثبات سیاسی برخوردار بود، تا جایی که بلاش در این دوره توانست دست به اقدامات عمرانی زند که از جمله آن‌ها می‌توان به ساخت شهر واغارشاپات^۱ اشاره کرد که پس از آن در دوره این پادشاه، شهر از جمعیت زیادی برخوردار شد (Hubschmann, 1904: 470) و این شهر بعدها جای آرتاکساتا پایتخت شاهی در ارمنستان را گرفت.^۲

پیش از مرگ بلاش، رومی‌ها بار دیگر در دوره جانشین هادریان، آنتونیوس پیوس^۳ (۱۶۱-۱۳۸ م.) درصدد تصرف ارمنستان برآمدند^۴. به عبارتی بلاش برای حفظ حقوق اشکانیان در ارمنستان و آنتونیوس ملقب به زاهد، امپراتور جدید روم برای دفاع از منافع روم بر سر ارمنستان به صورت غیرمستقیم در حال مبارزه بودند. بنابراین در این دوره جنگ به شکل آشکار در نگرفت؛ شاید عمده دلیل آن روش بردباری شخص بلاش بود که بدان خو گرفته بود و نمی‌خواست آغازکننده جنگ باشد. اما سیاست تسامح‌طلبی بلاش دوام چندانی نیاورد و رومی‌ها پیش از مرگش، به ارمنستان حمله کردند و توانستند این منطقه را از

^۱. Vagharshapat

^۲. برای اطلاعات بیشتر درباره شهر واغارشاپات بنگرید به :

Asdourian, 1911: 110; Manandian, 1965: 84-86

^۳. Antoninus Pius

^۴. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به :

اشکانیان بازپس گیرند و شاه دست‌نشانده جدیدی بر تخت ارمنستان بنشانند. در حدود سال ۱۴۴ میلادی بود که از طرف رومی‌ها سوهه‌موس^۱ (۱۴۴-۱۶۱ م.) به عنوان پادشاه ارمنستان جانشین بلاش شد. از اوضاع و شرایطی که منجر به نصب وی بر تخت ارمنستان شد اطلاعاتی در دست نیست و دوران حکومت وی که کمتر از بیست‌سال به طول انجامید، ناشناخته باقی مانده است (Birley, 1999: 71). اشکانیان نیز در این زمان احتمالاً به دلایلی از قبیل ناکافی بودن نیرو و یا به منظور حفظ صلح و شکوفایی کاروان‌های تجاری که در بین این دو در رفت و آمد بودند، از خود واکنش نشان ندادند (Toumanoff, 1986: 525-546; Chaumont, 1976: 146-47). احتمالاً روم باز، با استفاده از بحران سال‌های پایانی فرمانروایی بلاش سوم و روی کار آمدن بلاش چهارم و با تکیه به ثبات سیاسی خود در دوره فرمانروایی آنتونیوس، که در بین رومی‌ها بسیار محبوب بود، خواستار دوباره ارمنستان می‌شود و با استفاده از وضعیت اشکانیان در هنگام روی کار آمدن بلاش چهارم، ارمنستان را دست‌نشانده خود می‌کند.

درگیری اشکانیان با امپراتوری روم و احیای دوباره پادشاهی اشکانی بر ارمنستان

پس از مرگ بلاش سوم، پادشاه جدید اشکانی بلاش چهارم (۱۴۷/۱۴۸ م. تا ۱۹۳ م.)، تمایلی به پذیرش وضعیت پیشین نداشت. شاید او غیر از برنامه تصرف ارمنستان که حداقل هدف او به شمار می‌آمد، آرزوی تصرف سرزمین‌هایی را که متعلق به هخامنشیان بود در سر داشت و شاید به همین دلیل علاوه بر ارمنستان تسخیر سوریه و بندرهای ارتباطی آن با خاور دور را برای اجرای برنامه هخامنشی‌سازی و احیای دوباره قدرت ایران لازم می‌دانست (ولسکی، ۱۳۸۳: ۲۰۶). بلاش چهارم پس از نشستن بر تخت سلطنت قصد داشت به ارمنستان حمله کند و با امپراتوری روم وارد جنگ شود، اما بنا به دلایلی از جمله تهدیدات امپراتور آنتونیوس، که از شهرت خوبی در امپراتوری روم برخوردار بوده، جنگ را به موقع مناسب دیگری موکول کرد که اوضاع داخلی روم رومی‌ها را سخت گرفتار کرده بود.^۲

^۱. Sohaemus

سوهه‌موس، عضوی از خاندان سلطنتی حمص (Emesa)، منتسب به شاخه ارونیدی کماگنه سوریه بود. همچنین عضو مجلس سنای روم بود که نشستش بر تخت ارمنستان برای اشکانیان غیر قابل تحمل بود و به همین دلیل اشکانیان او را در سال ۱۶۱ میلادی کنار گذاشتند (Barrett, 1977: 153-9).

^۲. *Scriptores Historiae Augustae*, 1991, Volum I, Antoninus Pius, 9.6

این فرصت در سال ۱۶۱ محقق شد، زیرا در این سال امپراتور زاهد روم مرد و جای خود را به قیصر جدید مارکوس اورلیوس^۱ (۱۸۰-۱۶۱ م.) داد که با شراکت فرزند خوانده پیوس، لوسیوس وروس^۲ متفقا تا ۱۶۹ میلادی و سپس تا ۱۷۷ میلادی به تنهایی به سلطنت می‌پرداخت. پس از جلوس این امپراتور جدید، بلاش از فرصت استفاده و به ارمنستان حمله کرد. سردار رومی سوریانوس^۳ که والی کاپادوکیه بود در برابر او به میدان آمد و از طرف شمال به ارمنستان راند و در آنجا با قوای اشکانی که تحت امر سرداری به نام خسرو بود مواجه شد. سردار رومی در شهر الیگیا متوقف و محاصره شد و در نهایت او و تمام افراد تحت امرش به کلی نابود و از میان رفتند (Debevoise, 1938: 245-6; Dio Cassius, 1955: Book LXXi, 2). پس از تسخیر ارمنستان، سپاه اشکانی به طرف جنوب حرکت کرد و پس از گذر از رود فرات، به کشور سوریه حمله کرد و همه‌جا موجب رعب و هراس بسیار شد (Dio Cassius, 1955: LXXi, 2). حکمران رومی سوریه آتیدیوس کورنلیانوس^۴ که قصد داشت جلو مهاجمین را بگیرد، خود شکست خورد و به عقب رانده شد. از این رو وضع حکومت رومیان در شرق به مخاطره جدی افتاد.^۵ احتمالاً بلاش چهارم با آگاهی از وضع آشفته امپراتوری روم پس از مرگ آنتونیوس، نه تنها خواهان سلطه بر ارمنستان بود، بلکه می‌خواست با تسخیر سرزمین استراتژیک ارمنستان و احیای دوباره قدرت اشکانی در آنجا، سلطه امپراتوری روم را در سوریه و ایالات ماورای فرات با خطر جدی روبرو سازد، تا شاید با این کار فکر حمله به ایالات غربی شاهنشاهی اشکانی را از سر امپراتوران سلسله آنتونین به در کند.

در مقابل، امپراتور روم نیز ساکت ننشست و پس از موفقیت‌های اشکانیان، لوسیوس وروس را، که شریک سلطنت بود، به فرماندهی قوای روم در شرق منصوب کرد و سه‌تن از بهترین سرداران روم، به نام‌های اویدیوس کاسیوس^۶ و ستاتیوس پریسکوس^۷ و مارتیوس وروس^۸ را در تحت امر او قرار داد و راهی مقابله با شاهنشاهی اشکانی کرد.^۹ وروس بعد از

¹. Marcus Aurelius

². Lucius Verus

³. Severianus

⁴. Attidius Cornelianus

⁵. *Scriptores Historiae Augustae*, 1991, Volum I, Marcus Antoninus, 8.6

⁶. Avidius Cassius

⁷. Stadius Priscus

⁸. Martius Verus

⁹. *Scriptores Historiae Augustae*, 1991, Volum I, Verus, 6. 7; Ibid, Marcus Antoninus, 8. 10

ورود به سوریه چون اوضاع لشکرهای سوریه را نامناسب یافت با اشکانیان داخل مذاکره شد تا شاید از این طریق از جنگ جلوگیری کند اما اشکانیان چون در این جنگ بهره مند بودند حاضر نشدند چنین کنند، ناچار وروس مجبور به جنگ شد و سردارانش را فرستاد تا اشکانیان را از سوریه و ارمنستان بیرون کنند^۱ (Dio Cassius, 1955: LXI, 2). شاید سازمان جاسوسی اشکانی از وضع پریشان لژیون‌های رومی آگاهی داشت و نمی‌خواست به آسانی دستاوردهای خود را بدون حصول نتیجه و تنها بر مبنای وعده‌هایی که روم برای صلحی که چندان به آن پایبند نبود، رها کند.

پس از سماجت اشکانیان برای ادامه جنگ، لشکر رومی سرانجام در اوایل سال ۱۶۳ میلادی جنبه تهاجمی گرفت و به ارمنستان حمله کرد و پایتخت آن آرتاکساتا را تسخیر کرد. پاکور شاه ارمنستان در نتیجه این پیکار معزول شد و سوهه موس، شاه جدید از طرف رومی‌ها بر آنجا به سلطنت معین شد (Debevoise, 1938: 249). سوهه موس شاه دست‌نشانده روم بر ارمنستان، که پیش از این بلاش او را از آنجا رانده بود، اکنون دوباره با کمک رومی‌ها این بار به مدت طولانی‌تری بر تخت ارمنستان به جای پاکور شاهزاده اشکانی، که چندان برای ما شناخته نیست، نشست (Birley, 2000: 121). پاکور شاه دست‌نشانده بلاش بر ارمنستان تنها از یک کتیبه مراسم تشیع جنازه یونانی، که به‌عنوان یک وقف از او در گرمی داشت خاطره برادرش بر جای مانده، در رم شناخته می‌شود و خود را در کتیبه، با عنوان اورلیوس پاکروس شاه بزرگ ارمنستان معرفی می‌کند (De Jong, 1997: 315; Hovannisian, 2004: 70; Fronto & Van Den Hout, 1999: 302). از کتیبه اینگونه مشهود است که برادر پاکور در روم زندگی کرده و در آنجا نیز درگذشته است. بنابراین کتیبه همچنین نشان از آن دارد که پاکور برای یک مدتی در روم زندگی کرده و دوستانی در آنجا داشته است و نام اورلیوس اشاره به خاندان امپراتوری دارد (Fronto & Van Den Hout, 1999: 302). نکته جالب توجه این است که پاکور و برادرش شهروندی روم را از یک امپراتور روم از سلسله نروا-آنتونی، شاید از لوسیوس وروس قبل یا بعد از پادشاهی پاکور بر ارمنیان دریافت کرده باشند (Braund, 1984: 43&45). در طی جنگ‌های اشکانیان و رومیان ۱۶۴-۱۶۱ میلادی بلاش چهارم اشکانی در سال ۱۶۲/۱۶۱ میلادی وارد ارمنستان قلمرو

^۱. Scriptorum Historiae Augustae, 1991, Volum I, Verus, 7. 3; Ibid, Marcus Antoninus, 8. 12

تحت حمایت رومیان شد و پادشاه دست‌نشانده رومی آنجا را که سوهه‌موس نام داشت، اخراج کرد و پاکر را به عنوان پادشاه دست‌نشانده اشکانیان جایگزین او نمود (Fronto & Van Den Hout, 1999: 302; Birley, 2000: 121). وی تا سال ۱۶۴/۱۶۴ میلادی تا زمانی که رومیان به ارمنستان وارد شدند و پایتخت آن را تسخیر کردند، از جانب اشکانیان بر ارمنستان فرمانروایی کرد. پس از خلع او توسط رومیان و جایگزین شدن دوباره سوهه‌موس شاه دست‌نشانده پیشین روم بر ارمنستان سرنوشت پاکر برای ما ناشناخته مانده، اما با این حال ممکن است او به وسیله لوسیوس وروس به رم برده شده باشد و باقی عمر خود را در آنجا سپری کرده باشد (Braund, 1984: 43,45). شاید کتیبه فداکاری که از او در روم برجای مانده مربوط به پس از دستگیری او و انتقالش به رم بوده و او پس از ازدست‌دادن فرمانروایی در ارمنستان، شهروندی روم را پذیرفته است.

در نتیجه تسخیر و فتح ارمنستان توسط پریسکوس رومی، این بار سردار دیگر روم به نام کاسیوس پس از اینکه اشکانیان را از سوریه بیرون کرد و از اورلیوس لقب سپهسالاری گرفت و با اختیارات تامی که داشت، جنگ را به منطقه میان‌رودان کشاند (Dio Cassius, 1955: LXXi,3). کاسیوس پس از تسخیر شهرهای ساحلی و شکست اشکانیان در قصبه دورا - اروپوس، به سلوکیه یورش برد و قسمت عمده آن پایتخت بزرگ را طعمه آتش کرد و ویران نمود (Debevoise, 1938: 251). سپس به سمت پایتخت شاهنشاهی اشکانی یورش برد و پس از تسخیر تیسفون، قصر تابستانی بلاش را ویران کرد (Dio Cassius, 1955: LXXi,2). سردار رومی به این فتوحات اکتفا نکرد و قسمتی از ماد را نیز تسخیر کرد. در نتیجه این بهره‌مندی امپراتوران روم علاوه بر القاب آرمینیکوس^۱ و پارتیکوس^۲ لقب مدیکوس^۳ را که به معنای فاتح ماد بود نیز بر عناوین خود افزودند (Ammianus Marcellinus, 1950: XXIII,6) در همان زمانی که رومیان سرگرم غارت سلوکیه بودند، امراض عفونی که ظاهراً آبله بود، لشکر رومی را مبتلا و تلفات سنگینی بر آنها وارد آورد. در این بین، اوضاع قشون روم به قدری وخیم شد که مجبور شدند که قسمت عمده غنائم هنگفت خود را رها و عقب‌نشینی کنند؛ در بین راه بسیاری از سپاهیان از مرض و قحطی به

1. Armenicus

2. Particus

3. Medicus

هلاکت رسیدند و کسانی که به روم برگشتند این مرض واگیر را در سراسر روم منتشر کردند (Debevoise, 1938: 252; Ammianus Marcellinus, 1950: XXIII,6; Dio Cassius, 1955: Book LXXI,2. 4; *Scriptores Historiae Augustae*, 1991: Vol I, Verus, 8. 2). اشکانیان که با سلطه بر ارمنستان توانسته بودند امپراتوری روم را در سوریه تحت فشار قرار دهند، با از دست دادن ارمنستان این بار رومی‌ها بودند که آنها را در منطقه میان‌رودان با مشکل مواجه کردند و آنها را ناچار به عقب‌نشینی از سوریه و ایالات ماورای فرات کردند و خود نیز، با گرفتار شدن در باتلاق قحطی و مرض که در میان‌رودان ایجاد کرده بودند، ناچار به عقب‌نشینی از میان‌رودان شدند.

اشکانیان پس از آن با اینکه دیگر توانایی حملات بزرگ را نداشتند و به ناچار می‌بایست از دست رفتن ارمنستان را می‌پذیرفتند، اما با این همه سوهه‌موس شاه دست‌نشانده روم در ارمنستان را برای مدت کوتاهی توسط تیرداد از کار برکنار کردند، اما با مداخله رومیان در سال ۱۷۲ میلادی بار دیگر سوهه‌موس تاج و تخت ارمنستان را به دست آورد (ولسکی، ۱۳۸۳ : ۲۰۸). در نتیجه اخراج دوم سوهه‌موس از ارمنستان، نیروهای رومی به جنگ سربازان اشکانی رفتند. اشکانیان بیشتر خاک از دست رفته خود را در سال ۱۶۶ میلادی بازپس گرفتند، که سوهه‌موس پس از اخراج از ارمنستان به سوریه عقب نشست (*Scriptores Historiae Augustae*, 1991: Vol. I, Verus 8.1-4; Dio Cassius, 1955: LXXI. 2). همین عامل سبب شد که رومیان دوباره به میان‌رودان حمله کنند و به پیشرفت‌هایی دست یابند. در سال ۱۶۸ میلادی یا چند سالی پس از آن، هنگامی که مارتیوس وروس فرمانفرمای ایالت کاپادوکیه بود، یکی از سرداران خود به نام توسیدید را مأمور کرد که به ارمنستان حمله کند و سوهه‌موس پادشاه فراری آن کشور را دوباره بر تخت ارمنستان بنشاند، اما ضرورت اوضاع ایجاب کرد که وروس خود فرماندهی لشکر را به عهده بگیرد و به ارمنستان برود. پادگانی که پریسکوس در شهر کنوپولیس گذارده بود به یاغیگری و طغیان برخاستند و فرمانروای اشکانی موسوم به تیرداد دردهایی برای رومیان ایجاد کرده بود، چنانچه وقتی قیصر او را توبیخ و مواخذه کرد و با جسارت بر روی وروس شمشیر کشید و وروس نیز او را به جزایر بریتانیا تبعید کرد (Debevoise, 1938: 254 ; Dio Cassius, 1955: LXXI, 3). پس از این، حدود سه دهه امپراتوری روم و شاهنشاهی اشکانی هیچ یک به

صورت جدی متعرض دیگری نمی‌شد و تقریباً در صلح به سر می‌بردند. ارمنستان نیز در این بین به عنوان یک دولت دست‌نشانده نیمه‌مستقل گاهی تابعیت روم و گاهی تابعیت اشکانیان را می‌پذیرفت و در این بین تمایل او به شاهنشاهی اشکانی، به دلایل روابط نزدیک سیاسی و فرهنگی که از دیرباز بین آنها حکمفرما بود، بیش جزء امپراتوری روم بود.

احتمالاً همین ارتباط سیاسی و فرهنگی نزدیک ارمنستان با ایران اسباب نفوذ و سلطه دوباره اشکانیان را، که از اوایل سال‌های ۱۸۰ میلادی، بلاش دوم بر مسند حکومت ارمنستان قرار گرفت، فراهم کند. بلاش دوم در لشکرکشی سپتیموس سوروس، قیصر روم در سال ۱۹۴ میلادی به طرف شرق موفق شد با تقدیم هدایا و تدابیر دیگر از حمله او به ارمنستان ممانعت کند. علاوه بر این، او ارمنستان را از پادگان رومیان در ولارش‌آباد پاکسازی کرد و از روم کمک‌های مالی برای تقویت نیروهای خود دریافت کرد. دلیل چنین رفتاری خطر کوه‌نشین‌های شمالی بود که روم سعی در مقابله با آنها توسط نیروهای ارمنی داشت و پادشاه بلاش دوم در جنگ با این اقوام کشته شد و پسرش خسرو یکم جانشین او شد (سارگسیان و هاکوبیان، ۱۳۶۰: ۹۹). شاید کمک روم در این دوره به ارمنستان به دلیل آن بود که رومیان با شاهنشاهی اشکانی وارد جنگ شده بودند و بی‌طرفی بلاش فرمانروای ارمنستان به نوعی کمکی بود به رومیان تا از اتحاد ارمنستان با شاهنشاهی اشکانی جلوگیری شود. از زمان این پادشاه سلسله اشکانی ارمنستان به صورت موروثی از پدر به پسر منتقل شد، حال آنکه تا پیش از این پادشاهان ارمنستان از بین اخلاف اشکانیان ایران تعیین می‌شدند.

جنگ‌های موفقیت‌آمیز امپراتوری روم با شاهنشاهی اشکانی در زمان لوسیوس وروس و سپتیموس وروس که پس از حمله ترایان برای بار دوم و سوم در طی قرن ۲ میلادی، تا پایتخت اشکانیان_ تیسفون_ کشیده شد، هیچ تغییر اساسی ایجاد نکرد؛ زیرا روم هر بار پس از پیروزی با مقاومت و سرسختی اشکانیان در بر پا داشتن حاکمیت خود مواجه شده و عقب می‌نشست. در عوض پیروزی‌های نظامی روم به خصوص در دوره امپراتوری سپتیموس سوروس که منجر به تأسیس ایالت میان‌رودان علیا شد، به معنای تهدید دائمی مرکز اصلی حکومت اشکانی در میان‌رودان بود؛ و این امر به منزله پایان سیاست شناخت رود فرات به عنوان مرز بین امپراتوری روم و شاهنشاهی اشکانی قلمداد می‌شد (Dignas & Winter, 2007: 15). شاید سازش شاهان اشکانی ارمنستان در دو دهه پایانی قرن دوم میلادی با

امپراتوری روم، که برای حفظ سلطه خود و موروثی کردن قدرت خود در ارمنستان انجام گرفت، در موفقیت امپراتور سپتیموس سوروس^۱ (۱۹۳-۲۱۱ م.)، بی تأثیر نبود؛ زیرا امپراتور روم در عوض حمایت از خاندان اشکانی ارمنستان، توانست بطرفی آنها را در جنگ خود با شاهنشاهی اشکانی، جلب کند و همین بی طرفی ارمنستان در جنگ روم و ایران در دهه پایانی قرن دوم میلادی، وضعیت ارمنستان را تا روی کار آمدن کاراکالا^۲ (۲۱۱-۲۱۷ م.) کمی بیش از آرامش نسبی برخوردار کرد. شاید فرمانروایان اشکانی ارمنستان از جنگ فرسایشی دو قدرت اثرگذار شرق و غرب در سال‌های پایانی قرن ۲ میلادی و بی طرفی ارمنستان در این جنگ‌ها که بر سر تسلط بر میان‌رودان در گرفته بود و به هر حال پایان خوشی برای ایران و روم نداشت، می‌خواستند نه تنها ارمنستان را برای مدتی از دستبرد تهاجم امپراتوری روم دور نگه دارند، بلکه از وابستگی خود به شاهنشاهی اشکانی، برای حفظ استقلال خود، قدری بکاهند.

نتیجه

درگیری‌های مستمر ایران و روم بر سر ارمنستان در قرن دوم میلادی، در واقع به دلیل گسترش مطامع ارضی بود که رومی‌ها از سال‌ها پیش در سیاست توسعه قلمرو خود به سمت شرق در پیش گرفته بودند. هرچند این سیاست پس از مقاومت اشکانیان و انعقاد پیمان ران‌دیا و رویکرد جانب‌دارانه ارمنستان به ایران عملاً متوقف شد؛ اما نارضایتی امپراتوری روم از این پیمان باعث شد تا روم بارها به صورت غیر مستقیم، از طریق تحریک اقوام کوچ‌نشین از جمله آلان‌ها به سرزمین ارمنستان، به این پیمان واکنش نشان دهد و حتی پس از عدم موفقیتش در این زمینه، دست به اقدامات نظامی زد و از اوضاع پریشانی که شاهنشاهی اشکانی پس از مرگ بلاش یکم به وجود آمد، استفاده کرد و ارمنستان را دست‌آویزی برای توجیه حملات خود به مشرق زمین قرار داد. در واقع هدف امپراتوران روم از الحاق ارمنستان به امپراتوری روم، بهره‌گرفتن از موقعیت استراتژیک این سرزمین برای تسهیل فتوحات بعدی خود بود. شاهد این مدعا این است که امپراتوران روم تنها پس از تسلط بر ارمنستان می‌توانستند بر ایالات غربی ایران و حتی پایتخت شاهنشاهی اشکانی

^۱. Septimius Severus

^۲. Caracalla

مسلط شوند. در مقابل پیشروی‌های امپراتوری روم، اشکانیان با در پیش گرفتن جنگ‌های پارتیزانی و چریکی و با یک استراتژی مناسب پس از کشاندن نیروهای رومی به داخل میان‌رودان و عقب‌نشینی موقت خود به داخل سرزمین‌های اصلی ایران نیروهای رومی را وادار به بازگشت می‌کردند و ارمنستان را هربار به وضعیت پیشین خود به گونه‌ای باز می‌گرداندند که جنگ‌های امپراتوری روم با شاهنشاهی اشکانی، در طی قرن دوم میلادی، تغییر اساسی ایجاد نمی‌کرد؛ زیرا روم هر بار پس از پیروزی با مقاومت و سرسختی اشکانیان در برپاداشتن حاکمیت خود و اصرار بر نفوذ بی‌چون و چرای اشکانیان در ارمنستان مواجه می‌شد و عقب می‌نشست.

امپراتوری روم، در طول قرن دوم، با تحمیل سه‌جنگ در اول وسط و آخر این قرن که مستقیم و غیر مستقیم به بهانه حل مسئله ارمنستان بر ایران تحمیل کرد، خسارات مالی و جانی فراوان و بی‌حاصلی برای دو قدرت به بار آورد. در سه نبردی که بین امپراتوری روم و شاهنشاهی اشکانی در طول قرن دوم اتفاق افتاد به‌جز جنگ سوم که بر سر میان‌رودان اتفاق افتاد و آن هم ریشه در دو جنگ پیشین داشت، نقش کانونی و محوری ارمنستان در شعله‌ور شدن نائره جنگ بین دو قدرت شرق و غرب انکارناپذیر است. اشکانیان ارمنستان، در پایان قرن دوم به نوعی به دنبال استقلال سیاسی خود از شاخه اصلی، یعنی شاهنشاهی اشکانی که همواره می‌خواستند یکی از اخلاف خود را بر ارمنستان بنشانند، برآمد. به هر حال، شکی نیست که اشکانیان ارمنستان در طول یک قرن و نیم حضور مداوم در ارمنستان چنان ریشه در این کشور حائل و استراتژیک بین دو قدرت شرق و غرب دواندند که از پادشاهی بلاش دوم اشکانیان در ارمنستان موروثی شدند.

منابع و مأخذ

فارسی:

سارگسیان، گ. خ. و ت. خ. هاکوبیان، ۱۳۶۰، *تاریخ ارمنستان*، جلد ۱، ترجمه آ. گرمایک، تهران: [بی‌نا].
ولسکی، یوزف، ۱۳۸۳، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

لاتین:

- Ammianus Marcellinus, 1950, *Roman History*, VI, II, III, translated by J.C.Rolf, (loib classical library).
- Asdourian, P., 1911, *Die politischen Beziehungen zwischen Armenien und Rom*, Venice.
- Barrett, A.A., 1977, "Sohaemus, King of Emesa and Sophene", *American Journal of Philology* 98, 153-159.
- Birley, E, 1956, 'Hadrianic frontier policy', in E. Swoboda (ed.), *Carnuntina* 3. Graz-Koln, 25-33.
- Birley, A.R., 1998, *Hadrian: The Restless Emperor*, London: Routledge.
- Birley, A.R., 1999, *Septimius Severus: The African Emperor*, Routledge.
- Birley, A.R., 2000, *Marcus Aurelius*, Routledge
- Bivar, H.D.H., 1983, "The Political History of Iran under the Arsacids: Continuation of Conflict with Rome over Armenia", *The Cambridge History of Iran*, Vol 3, part 1, ed by Ehsan Yarshater, Cambridge university press.
- Boissevain, U.Ph., 1890, "Ein Vershobenes Fragment des Cassius Dio (75.9.6)", *Hermes* 25. pp. 329-339.
- Braund, D., 1984, *Rome and the Friendly King: The Character of the Client Kingship*, Taylor & Francis.
- Burney, C.A. & D.M. Lang, 1971, *Peoples of the Hills: Ancient Ararat and Caucasus*, London.
- Chaumont, M.L., 1976, Armenia between Rome and Iran I: the advent of Augustus to the accession of Diocletian from Aufstieg und Niedergang der Welt Römischen II.
- Chaumont, M.L., 1986, "Armenia and Iran II. The Pre-Islamic Period", *Encyclopaedia Iranica*, Vol.II, Fasc.4, pp. 418-438.
- Chaumont, M.L., 1988, "BALĀŠ". *Encyclopaedia Iranica*, Vol.III, Fasc.6 . pp. 574-580.
- De Jong, A., 1997, *Tradition of the Magi: Zoroastrianism in Greek and latin literature*, Brill.
- Debevoise, N.C., 1938, *A political history of Parthia*, Chicago: University of Chicago Press.
- Dignas, B. & Winter, E., 2007, *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbours and Rivals*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- DioCassius, 1955, *Roman history*, translated by Earnest Cavary, Harvard University.
- Eadie, J, 1985, "Artifacts of Annexation: Trajan's Grand Strategy and Arabia," in *The Craft of the Ancient Historian: Essays in Honour of Chester G. Starr*. Edited by J. Eadie and J. Ober, Lanham, MD: University Press of America, 407-23.
- Flavius Arrianus, 1968, *Quae extant omnia II: Scripta Minora et Fragmenta*, ed. A. G. Roos with additions by G. Wirth, Lipsiae: Teubner.
- Fronto, M.C. & M.P.J. Van Den Hout, 1999, *A Commentary on the Letters of M. Cornelius Fronto*, BRILL.
- Gutschmidt, A. Von, 1888, *Geschichte Irans*, Tübingen.
- Hovannisian, R.G., 2004, *The Armenian People from Ancient to Modern Times, Volume 1: The Dynastic Periods: From Antiquity to the Fourteenth Century*, Palgrave Macmillan.

- Hubschmann, H., 1904, *Die Altarmenischen Ortsnamen*, Strasbourg.
- Lepper, F. A., 1948, *Trajan's Parthian War*, London: Oxford University Press.
- Lightfoot, C.S., 1990, 'Trajan's Parthian War and the fourth-century perspective', *JRS* 80, 115-26.
- Longdon, R.P., 1931, "Notes on the Parthian Campaigns of Trajan", *The Journal of Roman Studies*, Vol. 21, pp. 1-35
- Longden, R.P., 1936, "The Wars of Trajan," in *Cambridge Ancient History*, Cambridge, pp. 188-252
- Magie, D., 1950, *Roman Rule in Asia Minor to the End of the Third Century after Christ*. Vol.1: Text. Princeton, NJ.
- Manandian, Hagop, 1965, *The Trade and Cities of Armenia in Relation to Ancient world Trade*, Lisbon.
- Mcdowell, R.H., 1935, *Coins from Seleucia on the Tigris*, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Olbrycht, M. J., 2010, "Jozef Wolski 1910-2008; An Epitaph", *Anabasis, Studia Classica et Orientalia, Orientis Splendor, Studies in Memory of Jozef Wolski, M. J. Olbrycht (ed.)*, Rzeszów: Wydawnictwo Uniwersytetu Rzeszowskiego.
- Scriptores Historiae Augustae*, 1991, Volum I, Translated by David Magie, Harvard University Press, Cambridge, Mass.
- Shayegan, M. R., 2011, *Arsacids and sasanians: Political Ideology in Post-Hellenistic and Late Antique Persia*, Cambridge: Cambridge university.
- Tacitus, 1959, *The Annals and the History*, Translated by Alfred John Church and William Jackson, university Chicago
- Toumanoff, Cyril, 1986, "Arsacids", *Encyclopaedia Iranica*, Vol.II, Fasc.5, pp. 525-54
- Wylie, G., 1990, "How did Trajan Succeed in Subduing Parthia Where Marc Antony Failed?", *Ancient History Bulletin* 4, 37-43.
- Wolski, J., 1966, "Les Achéménides et les Arsacides: Contribution à l'histoire de la formation des traditions iraniennes", *Syria*, Vol. 43, No. 1/2.
- Wolski, J., 1988, Le titre de "roi des rois" dans l'idéologie monarchique des Arsacides, *Akadémiai Kiadó*.